

## هو الله سبحانه و تعالى

(1) عالیحضرت و الامنزلت سلطنت و شوکت پناه عظمت و جلالت دستکاه نصفت و معدلت  
انتباه عالیجه محبت و مودت اطوار متبوع اعظم السلاطین العیسویه قدوه افخم الولاه  
المسیحیه شایسته سریر دولت و کامکاری سزوار مسند ایالت و نامداری پادشاه ذیجه  
خورشید کلاه<sup>1</sup> نظاماً للسلطنه و الایاله و الحکومه و النصفه و المعدله و العز و الاقبال  
توج فرمانفرمای وندیک<sup>2</sup> (2) را بعد از اظهار قواعد محبت و دوستی و ابلاغ مراسم  
مصادقت و اتحاد و یکنکی مرفوع رای صوابجا آنکه بر ضمیر منیر عالی ظاهر است که میانه  
پادشاهان عظام فرنیکه و سلاطین عظام عیسویه و نواب غفران پناه جنت بارگاه بابای  
بزرگوارم علیه الرحمه کمال صداقت و دوستی واقع و همیشه ابواب آمدشد (3) فیابین مفتوح  
بود و جماعت پادریان عظام و عیسویان کرام را که درینولایت اند نهایت عزت و حرمت  
میفرمودند و اکنون نواب همایون ما نیز بهمانقاعده بلکه زیاده از ان با ایشان محبت  
و دوستی داریم و همیشه مترصد آن بوده و هستیم که از جانب آن سلطنت پناه عالیجه  
و حضرات دانشمندان عظام کرام وندیک که (4) متکفل انتظام مهام آنولایت اند نیز  
طریقه آمد شد بدینولایت مرعی و مسلوک باشد ثانیاً بر ضمیر مهر تنویر مستور نماید که  
رفعت پناه عزت آثاری اقا رضاء اصفهانی که از ملازمان معتمد نواب شاه بابا ام بوده  
اکنون بدستور از کرکیراقان نواب همایون ماست چند سال قبل ازین از جانب نواب  
(5) غفران پناه برسم رسالت و ایلیچیکری باستنبول رفته چند خروار ابریشم از سرکار  
خاصه شریفه باو تحویل شده بود که فروخته صرف فرمودهای خاصه شریفه نماید و مشار  
الیه ابریشم مذکور را مصحوب دو نفر ملازم خود بجهه فروختن بوندیک فرستاده بوده و چون  
در باب تحویل داری آنوجه میانه (6) ملازمان نزاعی واقع شده بزرگان و امینان وندیک  
که بمحافظت مملکت مامور اند بجهه آنکه مبدا در معرض تلف بوده نقصانی بسرکار

خاصه شریفه واقع شود آنچه را گرفته بامانت بضرا بخانه سپرده اند و قبل ازین قنصول  
 حلب مکتوبی بپادری دیماس ریش سفید پادریان عالی منزلت حواریون مرتبت (7) مقتدی  
 گروه نصارا<sup>1</sup> حضرت ریم پاپا<sup>2</sup> نوشته بود که پایه سریر اعلی عرض نماید که آن مال را  
 از روی اخلاص و دوستی ضبط کرده اند مبادا نوع دیگر بخاطر اشرف رسد و ...<sup>3</sup> بضبطی  
 مملکت عیسویه نخبند و سعادت و عزت آثار خواجه الویز سکردو نیز عرضه داشتی در باب  
 آمدن خود باین ولایت نوشته بوده که (8) بدستور کیتان انکلیس و ولندیس بخرید و فروخت  
 مشغول باشند و استدا نموده بوده که هر کونه خدمتی در انصوب داشته باشند باو رجوع  
 نمایند و نواب شاه بابا ام چون از جانب آنعالی حضرت پادشاه والجاه اشاره درین باب  
 نشده بود بخواجه مشار الیه نوشته اند که هر گاه از جانب حضرت (9) پادشاه عالیجاه  
 اشعاری شود و مکتوبی در باب آمدن او قلمی نمایند ما نیز درین باب مکتوب بنوسیم  
 و اینکه استدا نموده بود که هر خدمتی در آنجا بوده باشد او را مرجوع آن سرافراز  
 فرمایند هیچ خدمتی بهتر ازین نیست که وجه قیمت ابریشم سرکار خاصه شریفه را که  
 رفعت پناه اقا رضاء کرکیراق مذکور (10) فرستاده و ملازمان او فروخته اند و بزرگان  
 و امینان و ندیک بضرا بخانه سپرده اند گرفته تسلیم ملازم مشار الیه نماید که بدینصوب  
 آورد ظاهراً تا غایت خواجه مشار الیه بعرض آنحضرت نتوانسته رسانید یا بجه هر کونه  
 موانع فرستاده نشده و همچنان در ضرا بخانه است توقع از آنحضرت و حضرات دانشمندان  
 (11) عظام آنست که الحال متوجه شده آنچه را همراه بابا علی تحویلدار او از هر راهی  
 که از خوف و خطر ایمن باشد روانه نمایند که مال سرکار خاصه شریفه را<sup>4</sup> بیقضای<sup>4</sup> سلامت  
 باین دیار رسانند و طریقه محبت و دوستی و یکانکی را از دست نداده هر کونه کاری و مهمی  
 درین دیار (12) داشته باشند از روی محبت و یکانکی اعلام نمایند که بموصول  
 کردد عاقبت امورشان موافق رضای حضرت ذو الجلال بخیر و خوبی<sup>5</sup> مقرون باد<sup>5</sup>